

آیا نباید علوم و معارف را از غیر اهل بیت طهارت گرفت؟ مثلاً فلسفه را؟

سؤال- حدیثی بیان بفرمایید در رابطه با این که فلسفه حرام است، و به دنبال فلسفه نباید رفت.

جواب- امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا».^۱

دروغ می گوید آن که ادعا می کند از شیعیان ماست، حال آن که به غیر ما تمسک می جوید.

و فرمودند:

«كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا».^۲

دروغ می گوید کسی که ادعا می کند ما را شناخته است، در حالی که به غیر ما تمسک می جوید.

و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«كُلُّ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ».^۳

آنچه که از این خانه (نبوت و رسالت) خارج (و گرفته) نشده، باطل می باشد.

مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام نیز فرمودند:

«... يَا كَمِيلُ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ أَنَا أَفْتَحُهُ، وَ مَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ. يَا

كَمِيلُ! ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. يَا كَمِيلُ! لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا ...».^۴

... ای کمیل! دانشی نیست مگر این که من آن را گشودم، رازی (چیزی) نیست مگر این که

حضرت قائم به پایان رساند. ای کمیل! خاندانی که بعضی از آن از بعضی دیگر است و خدا

شنا و داناست. ای کمیل! از ما بگیر تا از ما باشی ...

صالح بن سهل گوید: می شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام این آیه را تلاوت می فرمود:

«... وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ».^۵

... و در امام مبین (و روشن) همه چیز را به شماره آورده (و گردآورده) ایم.

و درباره آن فرمود:

در امیرالمؤمنین علیه السلام، یعنی مقصود خداوند از این که فرموده است: و (آگاهی از هر

چیزی را در امام مبین قرار دادیم، (مقصود از) امام مبین امیرالمؤمنین علیه السلام است که از

هرچیزی آگاهی دارد.^۷

و سیدالشهداء امام حسین علیه السلام فرمودند:

هنگامی که این آیه بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل گشت، ابوبکر و عمر از جای خود برخاستند و از آن حضرت پرسیدند: ای رسول الله! آیا (امام مبین در این آیه) تورات یا انجیل و یا همان قرآن است؟ حضرت در هر سه مرتبه فرمودند: نه، آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام روی آوردند، پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: او (امام مبین) این است، همان امامی که خداوند در او علم بر هر چیزی را جمع نموده است.^۸

اضافه بر این که عقلاً و نقلاً قرآن و عترت ضامن سلامت و سعادت فراگیر برای بشر و عالم مخلوقات است و رفتن به سوی غیر قرآن و عترت، عین ضلالت و گمراهی و تباهی و (سبب) زیان مادی و معنوی است، و خود ردّ کلام خدا در قرآن و عترت و نپذیرفتن کمال آن ها است. احادیث خاصی نیز دالّ بر وجوب اجتناب از فراگیری علوم از غیر قرآن و عترت می باشد که از جمله آن ها علمی ممنوعه اند که خلاف حقیقت و دین الهی می باشند و از آن ها است فلسفه. حال به نام الهی و یا حکمت الهی و یا عرفان و یا کشف و شهود و یا هر چیز دیگری که باشد، زیرا بشر از نوعی عقل نسبی و جزئی برخوردار است و بدون وجود و پیروی از راهبر منتخب الهی، راه به صراط مستقیم نمی برد و یقیناً غیر راه مستقیم، انحراف از مسیر حقیقت و کمال بوده بلکه مسیر ضلالت است و پیرو آن بیراهه ها از ضالّین و مغضوبین علیهم می باشد. و در خصوص فلسفه که زادگاهش سرزمین های کفر و شرک (یونان) و غیر آن می باشد، هر چند رنگ و لعاب اسلامی به آن داده شده، ولی نتوانسته اند حقیقت آن را که انکار بسیاری از حقائق الهی است، کتمان کنند.

خداوند فتح تکوین و تشریع و علوم و معارف را به محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین کرد و به آنان ختم نمود: در بسیاری از احادیث و زیارت های که از حضرات معصومین علیهم السلام به ما رسیده آمده است:

«بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِکُمْ یَخْتَمُ»^۹

خداوند به (سبب و واسطه) شما اهل بیت وحی (تکوین و تشریع را) باز نموده و خاتمه می دهد.

خداوند مرجع علمی (و باب علوم الهی) را محمد و آل او صلوات الله علیهم قرار داده است:

«فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

از طرفی صراط مستقیم که هیچ خطا و اشتباهی در آن وجود ندارد، قرآن صامت و ناطق، همه در اهل بیت عصمت و طهارت می باشد:

برید عجلی گوید: امام باقر علیه السلام درباره آیه:

«وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ، وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»^{۱۰}.

و همانا این است راه راست من پس از آن پیروی کنید، و از راه های دیگر که موجب تفرقه شما از راه اوست متابعت نکنید.

فرمود:

آیا می دانی منظور از «و این راه راست من است پس از آن پیروی کنید» چیست؟

گفتم: نه، فرمود:

ولایت علی و اوصیاء است.

فرمود:

و میدانی این که «پیروی هراهی نکنید» یعنی چه؟

گفتم: نه، فرمود:

مقصود ولایت فلانی و فلانی (غاصب اولیو غاصب دومی) است،

فرمود:

و آیا میدانی مقصود از «اگر چنین کنید از راه جدا می شوید» چیست؟

گفتم: نه، فرمود:

یعنی از راه علی علیه السلام (اگر جدا شوید).^{۱۱}

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ»^{۱۲}.

خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان هر چیزی را فرو فرستاده، تا آنجا که به خدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نفرموده، و تا آن جا که هیچ بنده ای نتواند بگوید: ای کاش این در قرآن آمده بود، جز آن که خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است.

و اما احادیثی بسیار در ردّ و عدم قبول فلسفه و حتّی تحت نام حکمت از خاندان عصمت و طهارت به ما رسیده است که به دو حدیث از آن احادیث بسنده می کنیم و همین برای کسی که واقعاً حق جوو پیرو راستین حق باشد کفایت می کند:

امام جعفر صادق علیه السلام در ضمن سخنان طولانی خود به مفضل بن عمرو فرمودند: «... فَتَبّاً وَ خَيْبَةً وَ تَعْساً لِمُنْتَحِلِي الْفَلَسَفَةِ، كَيْفَ عَمِيَتْ قُلُوبُهُمْ عَنْ هَذِهِ الْخِلْقَةِ الْعَجِيبَةِ حَتَّى أَنْكَرُوا التَّدْبِيرَ وَالْعَمَدَ فِيهَا؟! ...»^{۱۳}

... مرگ و ناامیدی بر فلسفه بافان باد، چگونه دلشان کور بود از این آفرینش عجیب تا جایی که منکر قصد و تدبیر درباره آن شدند ...

فقیه محقق ملا احمد اردبیلی در کتاب حقیقة الشيعة به سند معتبر خود از امام حسن زکّی عسکری علیه السلام نقل می کند که آن حضرت به ابوهاشم جعفری فرمودند: «يا أبا هاشم! سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى النَّاسِ وَجُوهُهُمْ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَ قُلُوبُهُمْ مُظْلِمَةٌ مُنْكَدِرَةٌ^{۱۴} السُّنَّةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ، وَ الْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ، الْمُؤْمِنُ بَيْنَهُمْ مُحَقَّرٌ، وَ الْفَاسِقُ بَيْنَهُمْ مُوقَّرٌ، أُمَرَاؤُهُمْ جَاهِلُونَ جَائِرُونَ، وَ عُلَمَاؤُهُمْ فِي أَبْوَابِ الظُّلْمَةِ سَائِرُونَ^{۱۵}، أَغْنِيَاؤُهُمْ يَسْرِقُونَ زَادَ الْفُقَرَاءَ، وَ أَصَاغِرُهُمْ يَتَقَدَّمُونَ عَلَى الْكِبَرَاءِ، وَ كُلُّ جَاهِلٍ عِنْدَهُمْ خَبِيرٌ، وَ كُلُّ مُحِيلٍ عِنْدَهُمْ فَقِيرٌ، لَا يَتَمَيِّزُونَ^{۱۶} الْبَيْنَ الْمُخْلِصِ وَ الْمُزْتَابِ، لَا يَعْرِفُونَ الصَّانَ مِنَ الذِّئَابِ، عُلَمَاؤُهُمْ شِرَارُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ إِلَّا إِيَّاهُمْ (أَلَا إِيَّاهُمْ) يَمِيلُونَ إِلَى الْفَلَسَفَةِ وَ التَّصَوُّفِ، وَ أَيْمُ اللَّهِ إِيَّاهُمْ مِنْ أَهْلِ الْعُدُولِ وَ التَّحَرُّفِ، يُبَالِغُونَ فِي حُبِّ مُخَالِفِينَا، وَ يُضِلُّونَ^{۱۷} شِيعَتَنَا وَ مُوَالِينَا، فَإِنْ^{۱۸} نَالُوا مَنْصَباً لَمْ يَشْبَعُوا عَنِ الرِّشَاءِ، وَ إِنْ خُذِلُوا عَبَدُوا اللَّهَ عَلَى الرِّيَاءِ، أَلَا إِيَّاهُمْ قُطَاعُ طَرِيقِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الدُّعَاةُ إِلَى خِلْعَةِ الْمُتَلَحِّدِينَ، فَسَنُ أَذْرِكُهُمْ فَلْيَحْذَرُوهُمْ، وَ لِيَصُنْ دِينَهُ وَ إِيْمَانَهُ».

ای ابوهاشم! زمانی فرا خواهد رسید که مردم چهره‌هایی خندان و گشاده و دل‌هایی سیاه و تاریک دارند، سنّت در میان آنان بدعت و بدعت سنّت باشد، و مؤمن در میان ایشان خوار و بی مقدار شده و فاسق گرامی و صاحب اعتبار، فرمانروایانشان نادان و ستمگرو علمای آن‌ها به دربار ستمگران آمد و شد دارند، ثروتمندانشان زاد و توشه مستمندان را به سرقت می برند و کوچکترها بر بزرگترها پیشی می گیرند، از نظر آن‌ها هر فرد نا بخرد و حيله گری شخصیتی آگاه به شمار می آید و هر انسان هوشمندی از دیدگاهشان فقیر است. میان افراد با ایمان مخلص و

فاسد اهل تردید تمایزی قائل نیستند، وگوسفند را از گرگ باز نمی‌شناسند. علمای آنان بدترین مخلوقات خداوند روی زمین هستند زیرا به فلسفه و تصوّف می‌گیرند، به خدا سوگند! آنان اهل تجاوز و بازگشتن از حق و تحریف به باطل‌اند. در دوست داشتن مخالفین ما مبالغه می‌کنند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می‌کنند، پس اگر منصبی یابند از رشوه‌ها سیر نشوند و اگر فرو گذاشته شوند، یعنی اگر منصبی به ایشان نرسد به ریا، خدا را عبادت کنند؛ بدان و آگاه باش! آنان راهزن مؤمنان و دعوت‌گران به کیش بد دینان‌اند، هرکه آنان را دریابد باید از آن‌ها حذر کند و دین و ایمان خود را حفظ نماید».

سپس فرمودند:

«يَا أَبَا هَاشِمٍ! هَذَا مَا حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَهُوَ مِنْ أَسْرَارِنَا، فَأَكْتُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ».^{۱۹}

«ای ابوهاشم! این سخنی است که پدرم از پدرانش از جعفر بن محمد علیهما السلام به من بازگفت، و جزو اسرار ماست، پس آن را جز از اهلش پنهان دار».

و محقق مقدّس اردبیلی گوید: و اخبار درین باب بسیار است.

توجّه کنید: این حدیث شریف را فقیهی محقق مانند ملا احمد اردبیلی از فقهای محقق چون شیخ مفید نقل نموده و فقهای والا مقام چون شیخ حرّ عاملی صاحب وسائل الشیعه بنابر اعتمادی که داشته‌اند نقل نموده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱- صفات الشیعه: ص ۳ ح ۴- حدّثنا محمد بن علیّ ماجیلویه رحمه الله علیه قال: حدّثني عمي محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن عليّ الكوفي، عن محمد بن سنان، عن المفصل بن عمر، قال: قال الصادق عليه السلام: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا. از او: وسائل الشیعه: ج ۲ ص ۱۱۷ ب ۹ ح ۳۳۳-۲۶ و بحار الأنوار: ج ۲ ص ۹۸ ب ۱۴ ح ۴۹.

۲- الوسائل: مُسْتَمْسِكٌ.

۳- معانی الأخباز: ص ۳۹۹ باب النوادر ح ۵۷- حدّثنا محمد بن موسى المتوكل قال: حدّثنا عليّ بن ابراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن إبراهيم بن زياد قال: قال الصادق عليه السلام: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ

يَعْرِفُنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا. از او: وسائل الشيعة: ج ٢٧ ص ١٢٩ ب ١٠ ح ٣٣٣٩٧ - ١٦ و مستدرک الوسائل: ج ١٧ ص ٣٠٩ ب ١٠ ح ٢١٤٣١ - ٨.

٤ - مختصر البصائر: ص ١٩٨ باب في فضل الأئمة صلوات الله عليهم و ما جاء فيهم من القرآن العزيز... ح ١٧٩ / ٢٠ و وسائل الشيعة: ج ٢٧ ص ١٣٠ ب ١٠ ح ٣٣٣٩٩ - عن سعد بن عبد الله في بصائر الدرجات، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد و العباس بن معروف، عن حماد بن عيسى، عن ربيع بن عبد الله بن الجارود، عن الفضيل بن يسار، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: كُلُّ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ. الإختصاص: ٣١ - وقال أبو جعفر الباقر عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ فَهُوَ وَبَالٌ. از او: مستدرک الوسائل: ج ١٧ ص ٣٠٩ ب ١٠ ح ٢١٤٣٢ - ٩ و ج ١٧ ص ٢٨٢ ب ٧ ح ٢١٣٥٣ - ٥٢ و در آن است: فَهُوَ بَاطِلٌ.

٥ - بشارة المصطفى: جزء ٢ ص ٢٥ - أخبرنا الشيخ أبو البقاء إبراهيم بن الحسين بن إبراهيم البصري بقراءة عليه في المحرم سنة ست عشرة و خمسمائة بمشهد مولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: حدثنا أبو طالب محمد بن الحسن بن عتبة قال: حدثنا أبو الحسن محمد بن الحسين بن أحمد قال: أخبرنا محمد بن وهبان الديبلي قال: حدثنا علي بن أحمد بن كثير العسكري قال: حدثني أحمد بن المفضل أبو سلمة الأصفهاني قال: أخبرني راشد بن علي بن وائل القرشي قال: حدثني عبد الله بن حفص المدني قال: أخبرني محمد بن إسحاق عن سعيد بن زيد بن أرطاة قال: لقيت كميل بن زياد و سألته عن فضل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فقال: أَلَا أَخْبَرُكَ بِوَصِيَّةِ أَوْصَانِي بِهَا يَوْمَا هِيَ خَيْرُكَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا فَقُلْتُ: بَلَى قَالَ: قَالَ لِي عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَحْفَ الْعُقُولُ: ص ١٧١ مانند البشارة. وسائل الشيعة: ج ٢٧ ص ١٠٣ ح ٣٣٣٢٨ از تحف، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٢٦٦ ب ١١ ح ١ از البشارة، و ج ٧٤ ص ٤١٢ ب ١٥ ح ٣٨ از تحف. مستدرک الوسائل: ج ١٥ ص ١٦٦ ب ٦١ ح ١٧٨٧٨ - ١ و ج ١٧ ص ٢٦٧ ب ٧ ح ٢١٣٠٢ - ١ از البشارة.

٦ - سورة (٣٦) يس (صلى الله عليه وآله) آية ١٣.

٧ - تأويل الآيات الظاهرة: ص ٤٧٧ و تفسير البرهان: ج ٤ ص ٥٦٩ ح ٨٩٠٦ / ١٨ - عن محمد بن العباس رحمه الله قال: حدثنا عبد الله بن أبي العلاء، عن محمد بن الحسن بن شمون، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأضمر عن عبد الله بن القاسم عن صالح بن سهل قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقرأ: «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»، قال: في أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ. بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ١٥٨ ب ٤٦ ح ٢٤ از كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهرة، كنز الدقائق: ج ١١ ص ٦٢ از شرح الآيات الباهرة.

٨ - معاني الأخبار: ص ٩٥ باب معنى الإمام المبين ... و الأمالي - حدثنا أحمد بن محمد الصائغ قال: حدثنا عيسى بن محمد العلوي قال: حدثنا أحمد بن سلام الكوفي قال: حدثنا الحسين بن عبد الواحد قال: حدثنا الحارث بن الحسن، قال: حدثنا أحمد بن إسماعيل بن صدقة، عن أبي الجارود، عن محمد بن علي الباقر، عن

آبیه، عن جدّه عليهم السلام قال: لَمَّا أُنْزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»، قَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هُوَ التَّوْرَةُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْإِنْجِيلُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْقُرْآنُ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَأَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ. الْأُمَلِي، الصَّدُوق: ص ۱۷۰ مجلس ۳۲ ح ۵ مانند المعاني باختلافی و در آن است: عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليهما السلام قال: لَمَّا نَزَلَتْ تأويل الآيات الظاهرة: ص ۴۷۷ از ابن بابويه، تفسير نور الثقلين: ج ۴ ص ۳۷۹ ح ۲۷ و بحار الأنوار ج ۳۵ ص ۴۲۷ ب ۲۳ ح ۲ از المعاني.

۱- الكافي: ج ۴ ص ۵۷۵ باب زيارة قبر أبي عبد الله الحسين عليه السلام: «... وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، ...». و من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۶۱۵ زيارة جامعة لجميع الأئمة عليهم السلام: «... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ...».

و بحار الأنوار ج ۲۳ ص ۳۱۳ ب ۱۸: قال علي بن الحسين عليهما السلام: «... وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ، بِنَا فَتَحَ اللَّهُ الدِّينَ، وَ بِنَا يَخْتِمُهُ...». هر کسی که با ما نباشد بهره‌ای از اسلام نبوده، خداوند به سبب و وسیله ما دین را باز نمود، و به سبب و وسیله ما آن را می بندد... .

و بحار الأنوار ج ۲۶ ص ۲۵۹ ب ۵ ح ۳۷: ... محمد بن سنان، عن الإمام جعفر الصادق عليه السلام أنه قال: «نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ، وَ... وَ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِنَا خَمَّ اللَّهُ، وَ نَحْنُ الْأَوَّلُونَ، وَ نَحْنُ الْآخِرُونَ، وَ نَحْنُ أَخْيَارُ الدَّهْرِ، وَ نَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَ نَحْنُ سَادَةُ الْعِبَادِ، وَ سَاسَةُ الْبِلَادِ، وَ نَحْنُ التَّهْجُ الْقَوِيمُ، وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَ نَحْنُ عِلَّةُ الْوُجُودِ، وَ حُجَّةُ الْمُعْبُودِ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَامِلٍ جَهْلٍ حَقًّا، وَ نَحْنُ قَنَادِيلُ النُّبُوءَةِ، وَ مَصَابِيحُ الرِّسَالَةِ، وَ نَحْنُ نُورُ الْأَنْوَارِ، وَ كَلِمَةُ الْحَبَّارِ، وَ نَحْنُ رَايَةُ الْحَقِّ الَّتِي مَنْ تَبِعَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا هَوَى، وَ نَحْنُ أَيْمَةُ الدِّينِ، وَ قَائِدُ الْغُرَا الْمُحَجَّلِينَ، وَ نَحْنُ مَعْدِنُ النُّبُوءَةِ، وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَ إِلَيْنَا تَخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةُ، وَ نَحْنُ سِرَاجٌ لِمَنْ اسْتَضَاءَ، وَ السَّبِيلُ لِمَنْ اهْتَدَى، وَ نَحْنُ الْقَادَةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ نَحْنُ الْجُسُورُ وَ الْقَنَاطِرُ، وَ نَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، وَ بِنَا يَنْزِلُ الْغَيْثُ، وَ بِنَا يَنْزِلُ الرَّحْمَةُ، وَ بِنَا يُدْفَعُ الْعَذَابُ وَ النَّقْمَةُ، فَكُنْ سَمِعَ هَذَا الْهُدَى فَلْيَتَفَقَّدْ فِي قَلْبِهِ حُبَّنَا، فَإِنْ وَجَدَ فِيهِ الْبُغْضَ لَنَا وَ الْإِنْكَارَ لِفَضْلِنَا فَقَدْ ضَلَّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ، لِأَنَّا حُجَّةُ الْمُعْبُودِ، وَ تَرْجُمَانُ وَحْيِهِ، وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مِيزَانُ قِسْطِهِ، وَ...».

ما جنب الله هستيم... خداوند به واسطه ما افتتاح نمود و به ما ختم كرد. ما اولين و آخرين هستيم. ما بهترين جهانيان و نواميس زمان و سرور بندگان و رهبر دنيا و راه استوار و صراط مستقيم هستيم. ما هستيم علت وجود و حجت معبود. خداوند عمل هر كسى را كه جاهل به حق ما باشد نمى پذيرد. ما چراغدان نبوت و چراغ هاى رسالت و نور نورها و كلمه الله و پرچم حق هستيم كه هر كس در زير آن پرچم باشد نجات يابد و هر كه از آن تخلف ورزد، گمراه شود. ما پيشوايان دين و رهبران سفيد چهرگان و معدن نبوت و پاىگاه

رسالت هستیم. ملائکه به سوی ما در رفت و آمد هستند. ما چراغ روشن‌گرو راه هدایت و رهبر بسوی بهشت و پل بر روی گذرگاه‌ها و کوهان بزرگیم. به واسطه ما باران می‌بارد و از (فرود آمدن) عذاب و بلا جلوگیری می‌شود. هر که شنید این هدایت را در جستجوی محبت ما در قلب خود باشد. اگر در آن بغض و انکار فضل ما را دید بداند که از راه راست منحرف شده زیرا ما حجت معبود و مترجم وحی و خزینه علم و میزان عدالت خداییم و ...

۱۰ - سوره (۶) الأنعام آیه ۱۵۴.

۱۱ - تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۳۸۳ ح ۱۲۵ - عن برید العجلی، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ، وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ». قال: أَتَذَرِي مَا يَعْنِي بِ «صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا؟». قلت: لا. قال: وَلَايَةُ عَلِيٍّ وَالْأَوْصِيَاءِ. قال: وَتَذَرِي مَا يَعْنِي «فَاتَّبِعُوهُ؟». قال: قلت: لا. قال: يَعْنِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. قال: وَتَذَرِي مَا يَعْنِي: «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ؟». قلت: لا. قال: وَلَايَةُ فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَاللَّهِ. قال: وَتَذَرِي مَا يَعْنِي: «فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ؟». قلت: لا. قال: يَعْنِي سَبِيلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. البرهان في تفسير القرآن: ج ۲ ص ۴۹۸ ح ۴/۳۷۲۶ و تفسیر نور الثقلین: ج ۱ ص ۷۷۸ ح ۳۴۳ و بحار الأنوار ج ۳۵ ص ۳۷۱ ب ۱۶ ح ۱۶ و ج ۶۴ ص ۳۱ از العیاشی.

۱۲ - الکافی: ج ۱ ص ۵۹ باب الردّ إلى الكتاب و السنة و ... ح ۱ - محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد، عن مرزم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «تفسير القمي: ج ۲ ص ۴۵۱ - حدثنا محمد بن جعفر قال: حدثنا محمد بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد، عن مرزم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّ الْقُرْآنَ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ الْعِبَادَ إِلَيْهِ إِلَّا بَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولَ لَوْ كَانَ هَذَا نَزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ. بحار الأنوار ج ۸۹ ص ۸۱ ب ۸ ح ۹ از تفسیر القمی.

۱۳ - توحید المفضل: ص ۶۸. از او: بحار الأنوار ج ۳ ص ۷۵ ب ۴ ح و ج ۵۸ ص ۳۲۶ ب ۴۷.

۱۴ - الإثبات: مُكَدَّرَةٌ، المستدرک: مُتَكَدَّرَةٌ.

۱۵ - المستدرک: - سائرُونَ.

۱۶ - الهدایا و المستدرک: يُمَيِّزُونَ.

۱۷ - الهدایا: يُبْغِضُونَ.

۱۸ - المستدرک: إِنَّ.

۱۹ - حدیقة الشیعة: ص ۷۸۷ فصل ۲ - و دیگر حدیثی است که سیّد ما سیّد مرتضی ابن الداعی الحسینی الرازی رحمه الله روایت می‌کند به سند معتبر از شیخ مفید رضی الله عنه، و او روایت می‌کند از احمد بن محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، و او از پدرش محمد بن الحسن، و او از سعد بن عبد الله، و او از محمد بن عبد

الجبار، واوز حضرت امام حسن عسكري عليه السلام كه آن حضرت مخاطب ساخت ابو هاشم جعفرى را وفرمود:.. و الهدايا لشيعه أئمة الهدى: ج ١ ص ١٠٠ المقدمة ١٠- وفي الحديث بإسناد الشيخ المفيد رحمه الله،- مانند الحديقة- . الإثنا عشرية: صص ٣٣-٣٤ از الحديقة، إثبات الهداة: ج ٤ ص ٢٠٤ فصل ٣٥ ح ٢٤٨ از الحديقة بعضى از آنرا، مقامع الفضل، آقا محمد على كرمانشاهى فرزند وحيد بهبهانى: ج ٢ ص ٥٤٢ و مستدرك الوسائل: ج ١١ ص ٣٨٠ ب ٤٩ ح ١٣٣٠٨ - ٢٥ و مستدرك سفينة البحار: ج ٨ ص ٢٩٩ از الحديقة. منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة: ج ١٤ ص ١٧ المقام ٨ از حديقة الشيعة، وقال: و رواه المحدث الجزائري أيضاً في الأنوار التعمانية مرسلاً عن العسكري عليه السلام مثله.